

بهبود محلی کیفیت تصاویر چهره با سایه شدید

به منظور ارتقای شناسایی

شقایق نادری^۱، نصرالله مقدم چرکری^۲ و احسان اله کبیر^۳
^{۱،۲} آزمایشگاه پردازش تصویر، دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر، ^۳ آزمایشگاه سیستم‌های الکترونیک، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

تغییر شرایط نوری، به خصوص تأثیر نورپردازی‌های جانبی در تصاویر چهره، یک مانع اصلی در سیستم‌های شناسایی چهره محسوب می‌شود. روش‌های مختلفی برای حل این مسأله پیشنهاد شده‌اند که با مدل‌سازی تغییرات نور و یا استخراج ویژگی‌های پایای تصویر به شناسایی چهره می‌پردازند. بسیاری از این روش‌ها به دانش قبلی درباره منبع نور، زاویه نورپردازی و تشخیص ناحیه سایه نیاز دارند. در این مقاله روش جدیدی مبتنی بر تبدیل h -minima برای ناحیه‌بندی تصویر و اصلاح نورپردازی در تصاویر چهره ارائه می‌شود. روش پیشنهادی طی چند مرحله به استخراج و اصلاح الگوی سایه می‌پردازد و در نهایت با استفاده از معیار مبتنی بر گرادیان، بهترین الگوی سایه را برای تصویر مشخص می‌کند. سپس، الگوی سایه پیشنهادی برای بهبود روش Retinex (که با تفاضل الگوی روشنایی از تصویر اصلی در دامنه لگاریتمی، مؤلفه انعکاس را به عنوان ویژگی پایا از تصویر استخراج می‌کند) استفاده می‌شود. نتایج به دست آمده روی پایگاه‌های تصویری Extended YaleB و Yale B نشان می‌دهد که روش پیشنهادی دقت شناسایی در روش Retinex را به نحو مطلوبی افزایش داده و نتایج مؤثری را در اصلاح نورپردازی تصاویر چهره حتی در سایه‌های شدید ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: اصلاح نورپردازی، بهبود کیفیت تصویر، تبدیل h -minima، شناسایی چهره.

۱- مقدمه

تغییرات نور یکی از مشکلات عمده در روش‌های شناسایی چهره محسوب می‌شود. تصویر یک فرد تحت شرایط نوری مختلف الگوهای به طور کامل متفاوتی ایجاد می‌کند و دقیق‌ترین سیستم‌های شناسایی چهره، به شدت حساس به تغییرات نور هستند. به عبارتی مشکل اصلی بازشناسی چهره تحت شرایط نوری متفاوت، عدم اطلاع از زاویه نورپردازی است که منجر به ایجاد سایه‌های عادی و غیرعادی متفاوت در تصویر چهره می‌شود (نادری، ۱۳۹۰).

روش‌های مختلفی برای حل مسأله بازشناسی چهره تحت شرایط نوری متفاوت پیشنهاد شده‌اند که با مدل‌سازی تغییرات نور و یا استفاده از ویژگی‌های پایای تصویر به حل مسأله می‌پردازند. عمده روش‌های پیشنهاد شده عبارتند از: مخروط روشنایی (Georghiades, 2001)، هارمونیک‌های کروی (Lee, 2007)، تصویر خارج قسمت (Shashua, 2001) و فیلتر همبستگی (Savvides, 2004) که به طور کلی می‌توان

آنها را در سه گروه اصلی استفاده از ویژگی‌های پایای تصویر، ایجاد شکل‌های متعارف و مدل‌سازی تغییرات (Chen T. 2006) و (Georghiades, 2001) دسته‌بندی کرد. مدل‌سازی تغییرات نور، علاوه بر پیچیدگی محاسباتی زیاد، نیاز به دانش قبلی درباره منبع نور و یا حجم زیادی از داده‌های آموزشی دارد. از این رو روش‌های نرمال‌سازی و استفاده از ویژگی‌های پایای تصویر، چون نیاز به دانش قبلی ندارند و به عنوان پیش پردازش استفاده می‌شوند، مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند.

از جمله روش‌های نرمال‌سازی تغییرات نور می‌توان به تبدیل لگاریتمی (Chen W., 2006)، الگوریتم‌های Retinex یک و چندمقیاسی (Jobson, 1997) و (Jobson- 1997) Rahman, 1997)، تصویر خارج قسمت (Wang, 2004) و هموارسازی تطبیقی (Gross, 2003) و (Park, 2008) اشاره کرد. اکثر این روش‌ها پایه تئوری یکسان و هر کدام نقاط قوت و ضعف خاصی دارند. برخی از این روش‌ها با استخراج

ویژگی‌های پایای نوری مبتنی بر اطلاعات فرکانسی (Cao, 2012) یا بافت تصویر (Zheng-Goh, 2011)، که تغییر زاویه نورپردازی تأثیری زیادی بر آنها ندارد، به شناسایی چهره می‌پردازند. و برخی دیگر با ارائه تکنیک‌های حذف سایه به اصلاح نورپردازی در تصویر ورودی می‌پردازند (Sang, 2007) و (Xie, 2011).

با توجه به اینکه مشکل عمده روش‌های نرمال‌سازی تغییرات نور در تصاویر چهره، عدم اطلاع از زاویه نورپردازی و تشخیص ناحیه سایه است، در این مقاله دیدگاه جدیدی را تحت عنوان شناسایی ناحیه سایه و اصلاح نورپردازی مبتنی بر ناحیه در تصاویر چهره پیشنهاد داده‌ایم. در بخش دو به بیان مسأله و روش انجام کار می‌پردازیم. ساختار کلی روش پیشنهادی را در بخش سه مطرح می‌نماییم و در بخش‌های چهار و پنج به بررسی و تحلیل روش پیشنهادی می‌پردازیم. نتایج ارزیابی را در بخش شش ارائه می‌دهیم و در انتها به جمع‌بندی می‌پردازیم.



(شکل ۱): نمونه تصاویر پایگاه Yale B. سطرها ۱ تا ۵ نمونه تصاویر در زیر مجموعه‌های نوری ۱ تا ۵ را نشان می‌دهند.

(جدول ۱) روش‌های ارائه شده در نرمال‌سازی تغییرات نور را بر اساس روش انجام کار و نتایج حاصل از هر روش با یکدیگر مقایسه کرده است. همان‌طور که در ستون روش کار دیده می‌شود، روش‌های مختلفی برای افزایش وضوح ناحیه تاریک تصویر و حذف لبه‌های سایه به کار گرفته می‌شود که اعمال آنها روی کل تصویر باعث ایجاد تغییرات ناخواسته و محو شدن لبه‌ها (ویژگی‌های اصلی چهره) در ناحیه روشن تصویر می‌شود. علاوه بر آنچه در (جدول ۱) ذکر شده است، از جمله پیامدهای مشترک روش‌های موجود، کاهش دقت در نورپردازی‌های عادی، به دلیل محو شدن تصویر و یا حذف برخی ویژگی‌ها، و همچنین کاهش دقت در پایگاه‌های تصویری بزرگ، به دلیل کاهش ویژگی‌های تصویر، است.

با توجه به اینکه مشکل عمده روش‌های نرمال‌سازی تغییرات نور در تصاویر چهره، عدم اطلاع از زاویه نورپردازی و تشخیص ناحیه سایه است، در این مقاله دیدگاه جدیدی را تحت عنوان شناسایی ناحیه سایه و اصلاح نورپردازی مبتنی بر ناحیه در تصاویر چهره پیشنهاد داده‌ایم. در بخش دو به بیان مسأله و روش انجام کار می‌پردازیم. ساختار کلی روش پیشنهادی را در بخش سه مطرح می‌نماییم و در بخش‌های چهار و پنج به بررسی و تحلیل روش پیشنهادی می‌پردازیم. نتایج ارزیابی را در بخش شش ارائه می‌دهیم و در انتها به جمع‌بندی می‌پردازیم.

۲- بیان مسأله

(شکل ۱) تصویر فردی را از پایگاه (Georghiades, YaleB, 2001) تحت نورپردازی‌های متفاوت نشان می‌دهد. این پایگاه یکی از غنی‌ترین پایگاه‌های تصویری چهره است که برای مسأله تغییرات نور استفاده می‌شود. تصاویر این پایگاه بر اساس زاویه بین منبع نور و محور دوربین، مطابق (شکل ۱) به پنج زیرمجموعه (با زاویه‌های کمتر از ۱۲، ۲۵-۱۳، ۵۰-۲۶، ۷۷-۵۱، و بیشتر از ۷۷ درجه) تقسیم می‌شوند. تصاویر زیرمجموعه یک دارای نورپردازی به‌طور تقریبی عادی بوده و هر چه به زیرمجموعه پنج نزدیک می‌شویم، زاویه نورپردازی و سایه‌های به وجود آمده بیشتر می‌شود. در این مقاله به تصاویر زیرمجموعه‌های چهار و پنج، تصاویری با سایه شدید می‌گوییم.

همان‌طور که در (شکل ۱) دیده می‌شود، در سایه‌های شدید (زیرمجموعه‌های چهار و پنج) عمل بازشناسی چهره بسیار مشکل است. با این وجود روش‌های مختلفی برای بازشناسی چهره تحت نورپردازی‌های مختلف ارائه شده‌اند که هر کدام نقاط قوت و ضعف مخصوص به خود را دارند. مقایسه نتایج ارائه شده روی پایگاه تصویری Extended Yale B (Shan, 2010) نشان می‌دهد که برخی روش‌ها روی زیرمجموعه‌های نوری خاصی بهتر جواب می‌دهند و مهم‌تر از همه اینکه بسیاری از روش‌هایی که

(جدول ۱): مقایسه روش‌های مختلف مبتنی بر نرمال‌سازی تغییرات نور

روش نرمال‌سازی	روش کار	مشکلات روش
روش لگاریتمی (Adini, 1997)	• بسط مقادیر تاریک تصویر با تبدیل لگاریتمی	• حذف جزئیات و محو شدن تصویر • کاهش دقت بازشناسی چهره در نورپردازی عادی
حذف ضرایب فرکانس پایین DCT (Chen W., 2006)	• استخراج ویژگی‌های پایای نوری در فرکانس میانی • حذف ویژگی‌های فرکانس پایین به دلیل وابستگی به تغییرات نور	• حذف ویژگی‌های اصلی چهره (فرکانس پایین) در تصاویری با نورپردازی عادی • کاهش دقت بازشناسی با افزایش حجم پایگاه به دلیل حذف برخی ویژگی‌های فرکانس پایین چهره به خصوص در نورپردازی‌های عادی
هموارسازی تطبیقی (Park, 2008)	• تخمین مؤلفه روشنایی تصویر با استفاده مکرر از معیارهای ناهمبستگی نوری	• محو شدن لبه‌های چهره با افزایش تکرار • کاهش دقت بازشناسی چهره در نورپردازی عادی
تصویر خارج قسمت (Shashua, 2001)	• محاسبه تصویر لبه‌های چهره با تقسیم تصویر بر تصویر هموار شده	• از دست دادن بافت پوست • ایجاد لبه‌های ناشی از سایه‌های شدید در تصویر نهایی
روش Retinex (Jobson, 1997)	• محاسبه الگوی روشنایی به صورت محلی و تفاضل آن از تصویر اصلی در دامنه لگاریتمی تصویر	• خطای تشدید روشنایی در مجاورت سایه‌های شدید

خاکستری را حذف می‌کند. دینامیک یک کمینه محلی، حداقل مقداری است که باید به آن اضافه شود تا به کمینه محلی دیگری با مقدار کمتر دست یابد (Ohser, 2006) و محلی (MAIT 2009). به عبارتی در تبدیل H-minima کمینه‌های محلی با عمق کمتر از h حذف می‌شوند. نسخه توسعه‌یافته H-minima نواحی متصل در اطراف کمینه‌های محلی را برای یک تصویر استخراج کرده و یک تصویر باینری به دست می‌آورد (MAIT, 2009). در این مقاله نواحی استخراج شده توسط تبدیل H-minima در تصویر خروجی با مقدار صفر و بقیه نواحی با مقدار یک نشان داده می‌شوند. به عبارت دیگر، تبدیل H-minima نوعی بازسازی توسط فرسایش^۴ است که در آن تصویر اصلی (f) به عنوان شاخص و $f + h$ به عنوان تصویر ماسک به کار گرفته می‌شود (Schladitz, 2008):

$$hmin_h(f) = rec_f(f + h) \quad (1)$$

f تصویر اصلی و h پارامتر عمق در تبدیل H-minima است. عملکرد تبدیل h-minima شبیه به پر کردن گودال‌ها توسط بارانی به عمق h است به شرطی که عمق گودال بیشتر از h باشد. در صورتی که عمق گودال‌ها کمتر از h باشد، اولویت با عمیق‌ترین گودال است و در صورت سرریز شدن آب، گودال‌های مجاور هم پر می‌شوند. اگر روشنایی پیکسل‌ها را به عنوان عمق تصویر در نظر بگیریم، گودال‌ها همان کمینه‌های محلی هستند و نواحی‌ای که از آب پر می‌شوند، ناحیه تاریک در چهره را نشان می‌دهند. (شکل ۲) نمونه‌ای از نتایج به دست آمده با استفاده از تبدیل h_minima روی یک تابع فرضی را نشان می‌دهد.

در این راستا، مشکل اصلی عدم وجود دانش قبلی درباره میزان نورپردازی و شکل سایه است. اینطور به نظر می‌رسد که با تعیین ناحیه تاریک چهره و استخراج ویژگی‌های پایا و نرمال‌سازی تغییرات نور در این ناحیه، به توان ضمن حفظ دقت شناسایی در نورپردازی‌های شدید، مانع حذف ویژگی‌ها در ناحیه روشن و نورپردازی عادی چهره و افت دقت در نورپردازی‌های عادی شد. در این مقاله روشی مبتنی بر تبدیل H-minima برای تعیین ناحیه سایه در تصاویر چهره با نورپردازی‌های نامشخص ارائه شده است که می‌توان از آن برای په‌بود نرمال‌سازی نور در بازشناسی چهره استفاده کرد.

۲-۱- تبدیل H-minima

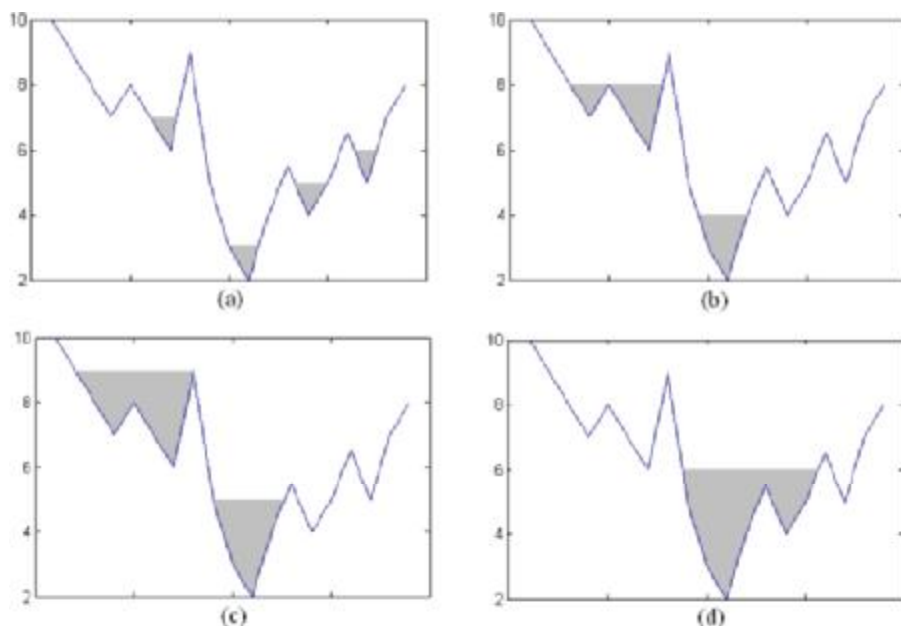
طیف گسترده‌ای از تبدیل‌های ریخت‌شناسی ژئودزیک^۱ وجود دارند که برای کاربردهای مختلفی از جمله پر کردن حفره‌ها یا تشخیص کمینه‌های ناحیه‌ای در پردازش تصویر مورد استفاده قرار می‌گیرند (Soille, 1999). تبدیل H-minima یکی از تبدیل‌های ریخت‌شناسی ژئودزیک است که به طور معمول در تصاویر پزشکی از جمله تصاویر MRI (Zhu, 2009) و تصاویر سلولی میکروسکوپی (Cheng, 2009) و (Jung, 2010) برای به‌بود قطعه‌بندی تصویر و حل مشکل بیش‌افرازی^۲ مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تبدیل در کمینه‌های محلی بسته به دینامیک^۳ کمینه، برخی از مقادیر

^۱ Geodesic morphological transformations

^۲ Over segmentation

^۳ Dynamic

^۴ Erosion

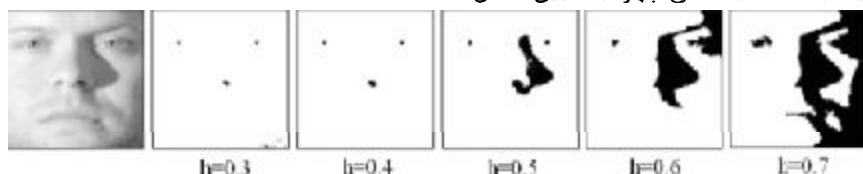


(شکل ۲): نتایج به دست آمده از روش h -minima روی تابع فرضی با مقادیر مختلف h . (a) $h=1$ (b) $h=2$ (c) $h=3$ (d) $h=4$.

چشم‌ها و نرمال‌سازی بر اساس فاصله بین چشم‌ها از تصویر استخراج می‌شود. البته در این مقاله از نسخه برش‌یافته پایگاه تصویری Extended YaleB استفاده شده و در نتیجه نیازی به استخراج ناحیه اصلی چهره نداریم.

روش پیشنهادی از دو بخش کلی تشکیل شده است: استخراج الگوی سایه و بهبود روش Retinex.

در بخش اول، هدف تعیین الگوی بهینه سایه در تصویر چهره است. برای تعیین الگوی سایه، روشی مبتنی بر تبدیل H -minima پیشنهاد شده است که پس از استخراج اصلاح الگوی سایه از معیاری مبتنی بر اطلاعات گرادیان تصویر (که جلوتر در بخش ۳-۴ توضیح داده خواهد شد) برای انتخاب بهترین الگوی سایه استفاده می‌کند. در بخش دوم، هدف تعیین نقش الگوی سایه در بهبود روش‌های مبتنی بر نرمال‌سازی تغییرات نور است. برای این منظور روش Retinex را به‌عنوان یکی از روش‌های مبتنی بر نرمال‌سازی انتخاب نموده و نسخه بهبودیافته آن را مبتنی بر الگوی سایه پیشنهاد داده‌ایم.



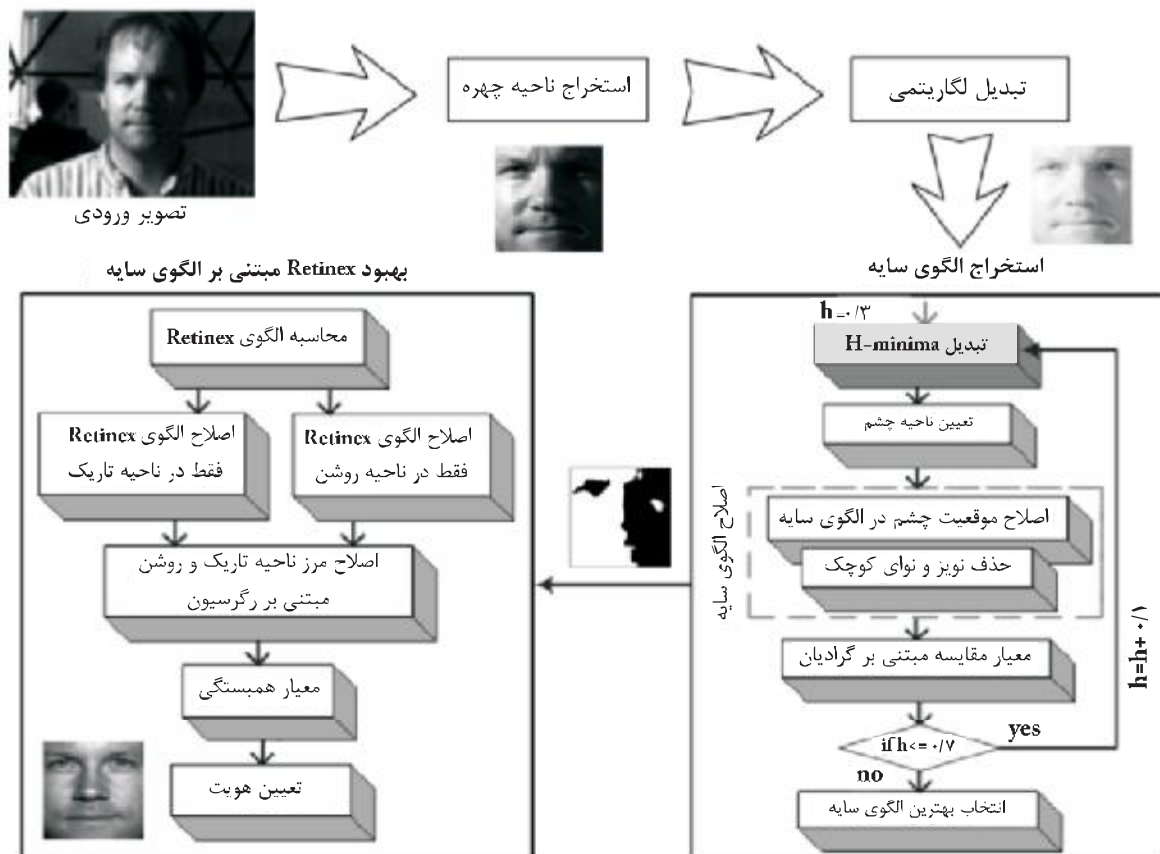
(شکل ۳): تبدیل H -minima با تغییر پارامتر h . از چپ به راست: تصویر اصلی (با محدوده مقادیر روشنایی $[0, 1]$)، لگاریتم تصویر، و خروجی H -minima به ازای مقادیر مختلف h .

(شکل ۳) خروجی تبدیل H -minima را برای تصویر نمونه بازای مقادیر مختلف h نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود بسته به مقدار پارامتر h الگوهای متفاوتی استخراج می‌شود.

بررسی ما نشان می‌دهد که خروجی تبدیل H -minima، به شرط تعیین مقدار مناسب h بسته به مشخصات تصویر، توانایی ارائه الگوی سایه مناسب برای تصویر چهره را دارد. در ادامه به معرفی روش پیشنهادی و نحوه انتخاب پارامتر h می‌پردازیم.

۳- روش پیشنهادی

(شکل ۴) نمودار جعبه‌ای روش پیشنهادی برای استخراج ناحیه سایه را نشان می‌دهد. تصویر ورودی ابتدا به بازه $[0, 1]$ نگاشت می‌شود و سپس از تبدیل لگاریتمی برای بهبود قسمت‌های تاریک تصویر استفاده می‌گردد. در صورتی که تصویر ورودی مانند آنچه در (شکل ۴) نشان داده شده است، شامل مو و پس‌زمینه باشد، ناحیه اصلی چهره با تعیین محل



(شکل ۴): نمودار جعبه‌ای روش پیشنهادی

به اشتباه در ناحیه تاریک تصویر طبقه‌بندی می‌شوند. برای حل این مشکل با استفاده از الگوی مردمک چشم به تعیین ناحیه چشم پرداخته و سپس با بررسی نواحی اطراف چشم، در مورد اینکه آیا چشم در سایه قرار گرفته است یا نه تصمیم می‌گیریم. در این رابطه پس از اعمال تبدیل H-minima، مراحل "تعیین ناحیه چشم"، "اصلاح الگوی سایه" و در نهایت "انتخاب بهترین الگوی سایه" به منظور نیل به الگوی سایه صورت می‌پذیرد که در ادامه به توضیح آنها می‌پردازیم.

۴-۱- تعیین ناحیه چشم

برای یافتن ناحیه چشم‌ها ابتدا نرمال‌سازی اولیه‌ای بر روی تصویر انجام می‌گیرد. به این صورت که میانگین همسایگی برای هر پیکسل محاسبه می‌شود و تصویر نرمال از تقسیم روشنایی هر پیکسل بر میانگین همسایگی‌های آن، به دست می‌آید. معادله دو نحوه محاسبه تصویر نرمال را نشان می‌دهد.

$$\forall i, j \text{ Norm}_{i,j} = \frac{I_{i,j}}{M_{i,j}} \quad (2)$$

سال ۱۳۹۰ شماره ۱ پیاپی ۱۵

نتایج ارزیابی روش پیشنهادی روی پایگاه Completed YaleB نشان می‌دهد که تعیین الگوی سایه می‌تواند به نحو مؤثری در بهبود روش‌های مبتنی بر نرمال‌سازی تغییرات نور به کار گرفته شود. در ادامه به توضیح جزئیات روش پیشنهادی می‌پردازیم.

۴- استخراج الگوی سایه

در این مقاله الگوی سایه به تصویر باینری گفته می‌شود که در آن پیکسل‌های متناظر با نواحی تاریک تصویر چهره با مقدار صفر و پیکسل‌های متناظر با نواحی روشن تصویر چهره با مقدار یک نشان داده می‌شوند. همان‌طور که در بخش ۲-۱ گفته شد خروجی تابع H-minima به ازای مقادیر مختلف پارامتر h الگوهای متفاوتی را برای سایه ارائه می‌دهد و تعیین بهترین الگوی سایه، نیاز به تخمین پارامتر h و یا تعریف معیاری برای انتخاب دارد که در (بخش ۴-۳) به توضیح آن خواهیم پرداخت. از طرفی به دلیل سطح خاکستری تیره ناحیه مردمک و عنبیه چشم، همان‌طور که در (شکل ۳) هم دیده می‌شود، این نواحی در خروجی تابع H-minima اغلب

اگر فرض کنیم W پنجره‌ای لغزان روی تصویر است و W_{Iris} و W_{Sclera} به ترتیب نواحی متناظر با مردمک و سفیده چشم متناظر با (شکل ۶) در پنجره W هستند. مختصات مرکز چشم‌ها به صورت زیر به دست می‌آید:

$$C_{eye} = \text{Min}_{i,j} (sum(w_{Iris}) - \frac{1}{2} * sum(w_{Sclera})) \quad (3)$$

عبارت $sum(w_{Iris})$ روشنایی ناحیه متناظر با مردمک-عنیه و عبارت $sum(w_{Sclera})$ روشنایی ناحیه متناظر با سفیده چشم در پنجره W را نشان می‌دهد. از آنجا که ناحیه سفیده چشم به دلیل جهت نگاه و همچنین میزان باز بودن چشم ممکن است در دو طرف عنیه قابل رؤیت نباشد، برای تطابق الگوی سفیده چشم ضریب $\frac{1}{2}$ در نظر گرفته شده است.

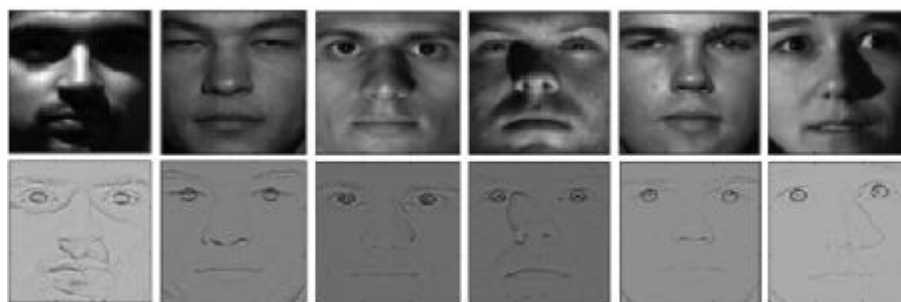
(شکل ۷) نتایج تعیین ناحیه عنیه را بسته به میزان باز بودن چشم در نورپردازی‌های مختلف نشان می‌دهد. در صورت نیاز می‌توان از الگوی عنیه بیضی شکل / چندمقیاسی برای تعیین دقیق‌تر عنیه در چشم‌های نیمه باز / اندازه‌های مختلف عنیه استفاده کرد.

اصلاح الگوی سایه

اصلاح الگوی سایه در روش پیشنهادی طی دو مرحله انجام می‌گیرد:

- اصلاح الگوی سایه بر اساس وضعیت چشم‌ها:

- با مشخص شدن محل چشم‌ها، می‌توان خطاهای الگوی سایه در ناحیه چشم‌ها را اصلاح نمود. خطای ناحیه چشم وقتی اتفاق می‌افتد که چشم در ناحیه روشن باشد؛ ولی ناحیه عنیه یا بخشی از آن (به خاطر سطح خاکستری تیره‌اش) به عنوان سایه در نظر گرفته شده باشد (مانند تصویر شکل ۸). در این حالت با تطبیق ناحیه عنیه (شکل ۶) روی الگوی سایه (به دست آمده بر اساس تبدیل 11-minima)، سایه‌ای که در ناحیه مردمک چشم استخراج شده از الگوی سایه حذف می‌شود.



(شکل ۷): تعیین ناحیه عنیه با استفاده از الگوی چشم پیشنهادی در نورپردازی‌های مختلف

I تصویر اصلی، M تصویر میانگین و N_{norm} تصویر نرمال نهایی است. N_{neigh} تعداد همسایگی‌های یک پیکسل را نشان می‌دهد. هر چه ابعاد همسایگی بزرگتر باشد، تصویر میانگین محوتر شده و تصویر نرمال، به تصویر اصلی شبیه‌تر می‌شود. لذا برای حذف تأثیرات نور به طور معمول از همسایگی‌های کوچک استفاده می‌شود. در این مقاله ابعاد همسایگی 5×5 در نظر گرفته شده است و $N_{\text{neigh}} = 25$ است. (شکل ۵) تصویر نرمال به دست آمده به این روش را نشان می‌دهد.



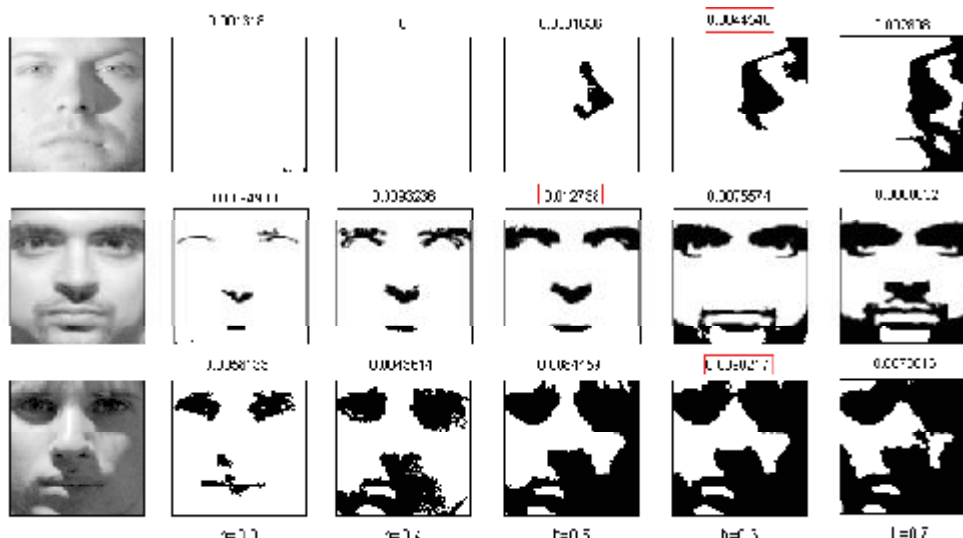
(شکل ۵): (a) تصویر اصلی، (b) تصویر میانگین و (c) تصویر نرمال

روش‌های مختلفی برای آشکارسازی چشم در تصویر چهره وجود دارد (Peng, 2005) و (Hansen, 2010) که مبتنی بر الگوها و ویژگی‌های چشم به جستجوی ناحیه چشم در تصویر می‌پردازند. (شکل ۶) الگوی مورد استفاده در این مقاله را برای یافتن ناحیه چشم نشان می‌دهد.



(شکل ۶): الگوی مورد استفاده برای تعیین ناحیه چشم

به عبارتی ما از تفاوت روشنایی در دو ناحیه سیاه و سفید در (شکل ۶) که به ترتیب نشان دهنده ناحیه تاریک عنیه-مردمک (Iris) و ناحیه روشن سفیده چشم (Sclera) هستند، برای تعیین محل چشم‌ها استفاده می‌کنیم. با توجه به مشخص بودن ناحیه چشم‌ها در تصویر صورت می‌توان جستجو را به نیمه بالای تصویر و در دو نیمه چپ و راست محدود کرد؛ به این معنی که پنجره‌ای با بیشترین شباهت به الگوی چشم (شکل ۶) در نیمه چپ و راست تصویر، ناحیه چشم‌ها را مشخص می‌کند.



(شکل ۹): الگوی سایه و مقدار متوسط گرادیان (G_{II}) به ازای h های مختلف

دلیل که ناحیه تاریک مجاور آن در محاسبه الگوی روشنایی اش دخیل است. همچنین در نواحی تاریک مجاور با ناحیه روشن، به دلیل دخالت ناحیه روشن در محاسبه الگوی روشنایی، که باعث می شود روشنایی ناحیه تاریک بیش از مقدار واقعی آن به دست آید، روشنایی ناحیه تاریک به صورت کامل اصلاح نمی شود (شکل (b) ۱۰) و ناحیه سایه به خصوص در سایه های شدید به طور کامل محسوس است.

۵-۱- اصلاح الگوی Retinex در ناحیه روشن و

ناحیه تاریک تصویر

در روش پیشنهادی با استفاده از الگوی سایه محاسبه شده برای تصویر، الگوی روشنایی برای ناحیه روشن (L_{light}) و الگوی روشنایی برای ناحیه تاریک (L_{dark}) به صورت مجزا محاسبه می شود. به این صورت که برای محاسبه الگوی روشنایی در ناحیه روشن، تنها از متوسط وزن دار همسایگی هایی که در ناحیه روشن الگوی سایه قرار گرفته اند، استفاده می شود. نحوه محاسبه الگوی روشنایی در روش پیشنهادی برای ناحیه روشن تصویر در معادله ۹ نشان داده شده است.

$$L_{light}(i_{cent}, j_{cent}) = \frac{\sum_{i,j \in \text{neighboring of cent}} I(i,j) \cdot W(i,j) \cdot BW(i,j)}{\sum_{i,j \in \text{neighboring of cent}} W(i,j) \cdot BW(i,j)} \quad (9)$$

که BW تصویر باینری الگوی سایه است. به همین ترتیب برای محاسبه الگوی روشنایی در ناحیه تاریک هم مطابق با معادله ۱۰ تنها از متوسط وزن دار همسایگی هایی که در ناحیه تاریک الگوی سایه قرار گرفته اند، استفاده می شود.

۵- بهبود Retinex مبتنی بر الگوی سایه

روش Retinex یکی از روش های شناسایی چهره در نورپردازی های مختلف است که نتایج به نسبت خوبی را ارائه می دهد (Jobson-Rahman, 1997) و (Park, 2008). در این روش ابتدا الگوی روشنایی تصویر بر اساس میانگین وزن دار همسایگی ها در شعاعی مشخص مطابق معادله ۶ برای هر پیکسل محاسبه می شود.

$$L(i_{cent}, j_{cent}) = \frac{\sum_{i,j \in \text{neighboring of cent}} I(i,j) \cdot W(i,j)}{\sum_{i,j \in \text{neighboring of cent}} W(i,j)} \quad (6)$$

که در آن I تصویر ورودی و W ماتریس وزن است.

وزن همسایگی ها برای هر پیکسل (i_{cent}, j_{cent}) بر اساس فاصله همسایگی تا پیکسل طبق معادله ۷ محاسبه می شود:

$$W_{i,j} = e^{-\left(\frac{\text{Distance}_{i,j}}{\text{Radius}}\right)^2} \quad (7)$$

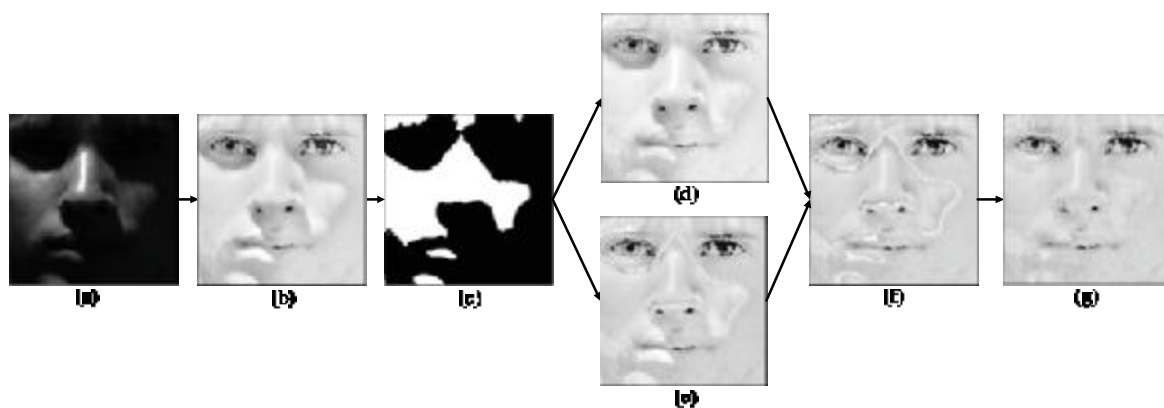
$$\text{Distance}_{i,j} = \sqrt{(i_{cent} - i)^2 + (j_{cent} - j)^2}$$

منظور از ccnt مختصات پیکسلی است که می خواهیم میزان روشنایی آن را محاسبه کنیم و Radius شعاع پیش فرض برای همسایگی است که در این مقاله، پانزده در نظر گرفته شده است. سپس با تفاضل الگوی روشنایی از تصویر اصلی در دامنه لگاریتمی، تصویر نهایی محاسبه می شود. R مؤلفه انعکاس و L مؤلفه روشنایی تصویر است.

$$\text{Log}(R) = \text{Log}(I) - \text{Log}(L) \quad (8)$$

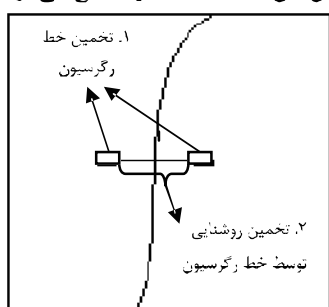
(شکل (b) ۱۰) تصویر به دست آمده توسط روش Retinex را نشان می دهد. از جمله مشکلات روش Retinex این است که در نورپردازی های شدید، روشنایی قسمت روشن چهره در حاشیه ناحیه سایه تشدید می شود، به این

تصویر نهایی از ترکیب تصاویر اصلاح شده Retinex برای ناحیه تاریک و روشن تصویر مطابق (شکل ۱۰(f)) بدست می‌آید. همانطور که در شکل دیده می‌شود، به دلیل محاسبه مجزای الگوی روشنایی در ناحیه تاریک و روشن، ناهمگونی در مرز بین دو ناحیه (لبه‌های الگوی سایه) دیده می‌شود. البته تصویر حاصل علی‌رغم ناهمگنی مرز سایه، برای شناسایی مناسب بوده و نرخ شناسایی خوبی را نسبت به روش Retinex ارائه می‌دهد (به بخش ۶ رجوع شود). با این حال اگر هدف اصلاح نورپردازی باشد، ما استفاده از روش رگرسیون خطی در مرز ناحیه تاریک و روشن را برای اصلاح نهایی تصویر به دست آمده پیشنهاد می‌کنیم (شکل ۱۰(g)).



(شکل ۱۰): مراحل روش پیشنهادی برای بهبود Retinex با استفاده از الگوی سایه. (a) تصویر فرد در نورپردازی شدید، (b) تصویر حاصل از روش Retinex، (c) الگوی سایه، (d) اصلاح Retinex فقط در ناحیه روشن، (e) اصلاح Retinex فقط در ناحیه تاریک، (f) روش پیشنهادی و (g) اصلاح مرز ناحیه تاریک و روشن در تصویر f با رگرسیون خطی.

پیکسل‌های انتهایی این پاره‌خط برای تخمین خط رگرسیون مورد استفاده قرار گرفته و مقدار روشنایی برای پیکسل‌های میانی بر اساس این خط محاسبه و اصلاح می‌گردد.



(شکل ۱۱): تخمین خط رگرسیون جهت اصلاح مرزها

فرض کنید n داده به شکل (X_i, Y_i) به ازای $i=1, \dots, n$ داریم. هدف، یافتن معادله خط مستقیمی است که بهترین تطابق را با نقاط موجود داشته باشد:

$$y = \alpha + \beta x \quad (11)$$

$$L_{park}(i_{cent}, j_{cent}) = \frac{\sum_{i,j \in \text{neighboring of cent}} l(i,j) \cdot W(i,j) \cdot (1 - BW(i,j))}{\sum_{i,j \in \text{neighboring of cent}} W(i,j) \cdot (1 - BW(i,j))} \quad (10)$$

بدین ترتیب مسأله تشدید روشنایی در ناحیه روشن و اصلاح ناقص سایه در ناحیه تاریک حل می‌شود.

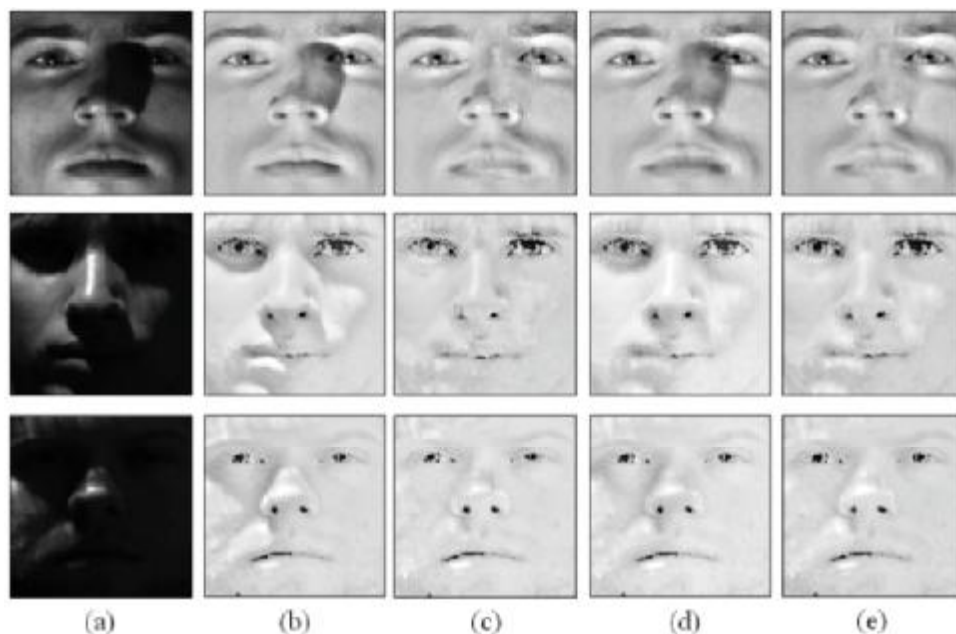
(شکل ۹) مراحل مختلف روش پیشنهادی را روی تصویر فردی در نورپردازی شدید نشان می‌دهد. الگوی سایه (شکل ۱۰(c)) ناحیه روشن و تاریک چهره را مشخص می‌کند. سپس با اعمال معادلات ۹ و ۱۰ الگوی روشنایی برای ناحیه‌های روشن و تاریک به صورت مجزا محاسبه شده و با تفاضل آنها از تصویر اصلی در دامنه لگاریتمی به ترتیب تصاویر ۱۰(d) و ۱۰(e) حاصل می‌شوند.

۵-۲- اصلاح مرز ناحیه تاریک و ناحیه روشن

مبتنی بر رگرسیون

اگرچه تصویر حاصل از روش پیشنهادی (شکل ۱۰(f)) نتایج خوبی را برای شناسایی چهره در تغییرات نورپردازی ارائه می‌دهد (بخش ۶)، با این حال می‌توان از رگرسیون خطی برای اصلاح ناهمگنی ایجاد شده در مرز سایه استفاده کرده و تصویر حاصل را (شکل ۱۰(g)) در کاربردهای اصلاح نورپردازی در تصاویر چهره نیز استفاده کرد.

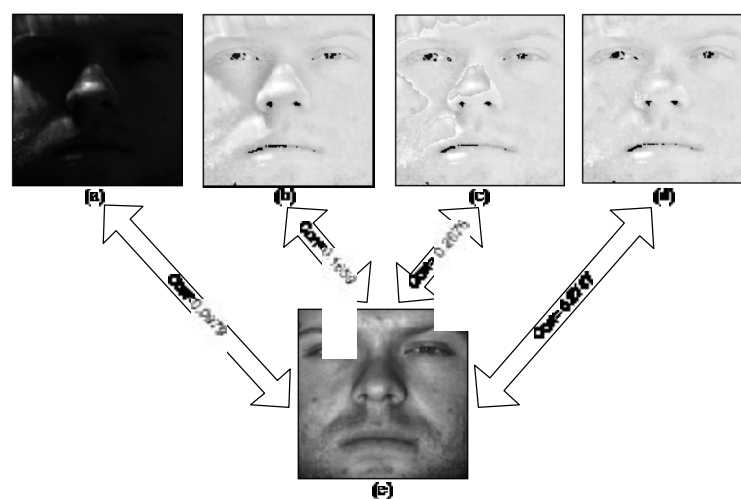
برای اصلاح ناهمگنی محلی و تنظیم روشنایی پیکسل‌ها در مجاورت مرز ناحیه‌های تاریک و روشن تصویر، ابتدا بردار گرادیان تصویر اصلی برای پیکسل‌های مرزی (در الگوی سایه) محاسبه می‌شود. سپس برای هر پیکسل مرزی، یک رگرسیون خطی در جهت بردار گرادیان اعمال می‌شود. همانطور که در (شکل ۱۱) نشان داده شده، اگر پاره‌خطی را در جهت بردار گرادیان روی نقاط مرزی تصویر رسم کنیم،



(شکل ۱۲: (a) تصاویر فردی در نورپردازی‌های مختلف، نتایج اصلاح نورپردازی با روشهای (b) Retinex، (c) روش پیشنهادی، (d) بهبود Retinex فقط در ناحیه روشن، و (e) بهبود Retinex فقط در ناحیه تاریک)

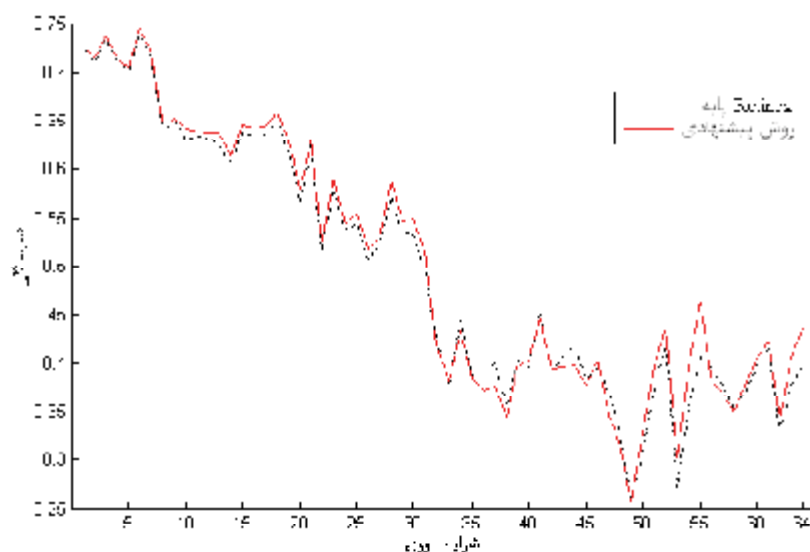
پیشنهادی قبل و بعد از اصلاح لبه‌ها و میزان همبستگی آنها با تصویر عادی فرد را نشان می‌دهد. نمودار (شکل ۱۴) متوسط همبستگی بین تصاویر افراد در حالات نوری مختلف (شامل ۶۴ حالت نوری موجود در پایگاه Completed YaleB) با تصویر نرمال آنها را برای روش Retinex و روش پیشنهادی نشان می‌دهد. حالات نوری ۱ تا ۶۴ به ترتیب شامل ۷، ۱۲، ۱۲، ۱۴ و ۱۹ حالت نوری مربوط به زیرمجموعه‌های نوری ۱ تا ۵ هستند که در (شکل ۱) نشان داده شده‌اند.

(شکل ۱۲) نرمال‌سازی تصاویر در نورپردازی‌های مختلف، توسط روشهای مقایسه شده در (جدول ۲) را نشان می‌دهد. در تصاویر ستونهای (c) تا (e) ناهم‌گنی مرز سایه با استفاده از رگرسیون خطی هموار شده است. مقایسه ستونهای (b) و (c)، کارایی روش پیشنهادی برای اصلاح Retinex با استفاده از الگوی سایه را به خوبی نشان می‌دهد. همبستگی تصاویر افراد در زیرمجموعه‌های نوری مختلف با تصویر نرمال آنها، معیار دیگری است که ما در این مقاله از آن استفاده کرده‌ایم. (شکل ۱۳) تصویر فردی با نورپردازی نامناسب و خروجی روش Retinex و روش



(شکل ۱۳: مقایسه میزان همبستگی بین (a) تصویر فرد در نورپردازی شدید، (b) Retinex، (c) روش پیشنهادی و (d) روش پیشنهادی پس از اصلاح لبه‌ها، با تصویر فرد در نورپردازی عادی.)

سال ۱۳۹۰ شماره ۱ پیاپی ۱۵



(شکل ۱۴): مقایسه متوسط میزان همبستگی در حالات نوری مختلف با تصویر نرمال.

(جدول ۳): زمان مورد نیاز (msec) برای هر یک از بلوک‌های

پردازش تصویر چهره در سیستم پیشنهادی

محاسبه گرادیان و انتخاب الگوی بهینه	استخراج و اصلاح الگوهای سایه	نگاشت لگاریتمی
۱۹.۳۵۸۶	۵۱۲.۴۵۰	۰.۸۳۴
کل زمان مورد نیاز (msec)	اصلاح لبه‌های سایه با روش رگرسیون	اصلاح نورپردازی با Retinex پیشنهادی
۳۷۷۰.۶۰۴۹	۳۲۲۴.۵۵۷	۱۳.۴۰۵

همان‌طور که در (جدول ۳) دیده می‌شود زمان مورد نیاز برای بازسازی یک تصویر توسط روش Retinex پیشنهادی در حدود ۳.۷ ثانیه می‌باشد. از آنجایی که برای شناسایی چهره نیاز به اصلاح لبه‌های سایه با روش رگرسیون نیست (این مرحله می‌تواند جهت کاربردهای بازسازی تصویر به صورت Offline انجام گیرد)، زمان مورد نیاز برای شناسایی چهره در روش پیشنهادی در حدود ۰.۵ ثانیه است.

با استفاده از الگوی سایه پیشنهادی می‌توان میزان ناحیه سایه در تصویر چهره را مشخص کرد. در نتیجه در صورتی که تصویر نورپردازی نرمالی داشته باشد، با صرف نظر از مرحله اصلاح نورپردازی، می‌توان زمان شناسایی چهره در تغییرات نورپردازی را کاهش داد.

۷- جمع بندی

در این مقاله دو رویکرد مقابله با تغییرات نورپردازی شامل: (۱) شناسایی چهره در شرایط نوری مختلف و (۲) اصلاح نورپردازی (با هدف بازسازی تصویر) در تصاویر چهره مد نظر

نکته قابل توجه در این نمودار این است که از مجموع ۶۴ حالت نوری موجود در پایگاه تصویری Completed YaleB، به جز حالات نوری متعلق به زیرمجموعه چهار (حالات نوری ۳۲ تا ۴۵) در سایر حالات میزان همبستگی با نورپردازی عادی در روش پیشنهادی نسبت به روش Retinex افزایش یافته است. با نگاه دوباره به نتایج ارائه شده در (جدول ۲) مشاهده می‌شود که نرخ شناسایی در زیرمجموعه چهار علی‌رغم کاهش میزان همبستگی نسبت به روش Retinex افزایش داشته است. از آنجا که روش پیشنهادی منجر به ایجاد ناهم‌گنی در مرز ناحیه سایه می‌شود، این طور به نظر می‌رسد که دلیل اصلی کاهش همبستگی در این زیرمجموعه نوری، مرز زیاد ناحیه تاریک و روشن در الگوهای سایه است.

۶-۲- پیچیدگی زمانی روش پیشنهادی

اگرچه تأکید و محدودیتی بر اندازه زمان اجرای الگوریتم پیشنهادی وجود نداشته است، ولی بهتر است درکی از زمان اجرای آن داشته باشیم.

برای این منظور، الگوریتم پیشنهادی را با تصاویر ورودی مختلف در محیط MATLAB اجرا نموده و میانگین زمان مورد نیاز بلوک‌های مختلف را به دست آوردیم که در (جدول ۳) نشان داده شده است.

مشخصات رایانه مورد استفاده به صورت زیر است:

Processor	Intel® Core™ i7-2600 CPU@3.40GHz
Memory (RAM)	8.00 GB
System Type	64-bit Operating System

سال ۱۳۹۰ شماره ۱ پیاپی ۱۵

فصلنامه

شماره ۱
پیاپی ۱۵
۶۴

Chen, W., 2006. "Illumination Compensation and Normalization for Robust Face Recognition Using Discrete Cosine Transform in Logarithm Domain", IEEE transactions on systems, man, and cybernetics part B: cybernetics, 36: 458-466.

Cheng, J. and Rajapakse, J. C., 2009. "Segmentation of Clustered Nuclei With Shape Markers and Marking Function." IEEE transaction on biometrical engineering, 56(3): 741-748.

Georghiades, A. S., 2001. "From Few to Many: Illumination Cone Models for Face Recognition under Differing Pose and Lighting", IEEE Trans. Pattern Analysis and Machine Intelligence, 23: 643-660.

Gross, R., Brajovic, V., 2003. "An Image Preprocessing Algorithm for Illumination Invariant Face Recognition." Proceeding of Audio- and Video-Based. Biometric Person Authentication, 3: 10-18.

Hansen, D.W., Qiang, Ji., 2010. "In the Eye of the Beholder: A Survey of Models for Eyes and Gaze." IEEE Transactions on Pattern Analysis and Machine Intelligence, 32(3): 478 - 500.

Jobson, D.J., 1997. "Properties and Performance of a Center/Surround Retinex." IEEE Transactions on Image Processing, 6(3): 451-462.

Jobson, D.J., Rahman, Z., Woodell, G.A., 1997. "A Multiscale Retinex for Bridging the Gap Between Color Images and the Human Observations of Scenes." IEEE Transactions on Image Processing, 6(7): 897-1056.

Jung, Ch. and Kim, Ch., 2010. "Segmenting Clustered Nuclei Using H-minima Transform-Based Marker Extraction and Contour Parameterization." IEEE transaction on biometrical engineering, 57(10): 2600-2604.

Lee, K.C., Ho, J., and Kriegman, D., 2005. "Acquiring Linear Subspaces for Face Recognition under Variable Lighting", IEEE Transaction on Pattern Analysis and Machine Intelligence, 27(5).

Lee, S.W., 2007. "Face recognition under arbitrary illumination using illuminated exemplars", Pattern Recognition, 40: 1605 - 1620.

MAVI handbook., 2009. "Modular Algorithms for Volume Images V1.3.2." by Image Processing Department, chapter 6.4.2.

Ohser, J., Schloditz, K., 2006. "Geodesic morphological transformations." Image Processing and Analysis book, 20-22.

قرار گرفته و روشی برای اصلاح آگاهانه نورپردازی در تصاویر چهره پیشنهاد گردیده است. پس از بررسی روش‌های مختلف مبتنی بر نرمالسازی تغییرات نور در شناسایی چهره، روشی مبتنی بر تبدیل H-minima برای تعیین ناحیه سایه با هدف بهبود روش‌های موجود پیشنهاد شده است. روش پیشنهادی طی چند مرحله به استخراج و اصلاح الگوی سایه می‌پردازد و در نهایت با استفاده از معیار مبتنی بر گرادیان، بهترین الگوی سایه را برای تصویر مشخص می‌کند. الگوی سایه پیشنهادی می‌تواند جهت اصلاح نورپردازی در روش‌های مبتنی بر نرمالسازی تغییرات نور جهت بهبود دقت شناسایی به‌کار گرفته شود. ما الگوی سایه پیشنهادی را برای بهبود روش Retinex به‌کار برده و به نتایج امیدوار کننده‌ای دست یافتیم. نتایج به‌دست آمده روی پایگاه تصویری Completed YaleB نشان می‌دهد که روش پیشنهادی دقت شناسایی را به نحو مطلوبی افزایش داده و در اصلاح نورپردازی نیز مؤثر است.

علاوه بر این در روش‌های مبتنی بر ویژگی‌های پایای نوری نیز می‌توان با تفکیک لبه‌های سایه (که از الگوی سایه پیشنهادی قابل استخراج هستند) از ویژگی‌های چهره آنها را حذف نموده و یا وزن کمتری در محاسبات به آنها اختصاص داد. در راستای توسعه روش پیشنهادی، استفاده در تصاویر زاویه دار چهره و بهبود سایر روش‌ها جهت کارهای بعدی در نظر گرفته شده است.

۸- مراجع

نادری، شقایق. مقدم چرکری، نصرالله و کبیر، احسان‌اله. "تحلیل عملکرد یادگیرنده‌های با نظارت جهت استخراج دانش مربوط به زاویه نورپردازی در تصاویر تمام رخ چهره"، نشریه مهندسی برق و کامپیوتر ایران، ۱۳۹۰، جلد ۹، شماره ۱، ۲۸-۲۱.

Adini, Y., Moses, Y., Ullman, S., 1997. "Face recognition: the problem of compensating for changes in illumination direction", IEEE Transaction on Pattern Analysis and Machine Intelligence, 19(7): 721-732.

Cao, X., Shen, W., Yu, L.G., Wang, Y.L., Yang, J.Y., Zhang, Z.W., 2012. "Illumination invariant extraction for face recognition using neighboring wavelet coefficients," Pattern Recognition, 45: 1299-1305.

Chen, T., 2006. "Total Variation Models for Variable Lighting Face Recognition", IEEE transactions on pattern analysis and machine intelligence, 28: 1519-1524.

Zhu, H., Zhang, B., Song, A., Zhang, W., 2009. "An Improved Method to Reduce Over-Segmentation of Watershed Transformation and its Application in the Contour Extraction of Brain Image." Eighth IEEE International Conference on Dependable, Autonomic and Secure Computing (DASC '09), 407–412.



شفایق نادری تحصیلات خود را در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد کامپیوتر گرایش نرم افزار در دانشگاه های تربیت معلم تهران و تربیت مدرس به ترتیب در سالهای ۱۳۷۹ و

۱۳۸۱ به پایان رسانده است. او در حال حاضر دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تربیت مدرس در گرایش نرم افزار است. زمینه های پژوهشی مورد علاقه ایشان پردازش تصویر و بازشناسی الگو به ویژه بازشناسی تصاویر چهره است. نشانی رایاناک ایشان عبارتست از:

naderi@modares.ac.ir



نصرالله مقدم چرکری کارشناسی خود را در علوم کامپیوتر از دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال ۱۳۶۵ دریافت کرد. تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته های مهندسی کامپیوتر و مهندسی سیستم های

اطلاعاتی در دانشگاه یاماناشی ژاپن به ترتیب در سال های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴ به پایان رسانده است. او در حال حاضر استادیار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تربیت مدرس است. زمینه های پژوهشی مورد علاقه ایشان الگوریتم های موازی، هوش مصنوعی و درک تصویر است. نشانی رایاناک ایشان عبارتست از:

charkari@modares.ac.ir



احسان اله کبیر کارشناسی ارشد پیوسته خود را در مهندسی برق و الکترونیک از دانشکده فنی دانشگاه تهران و دکترای خود را در مهندسی سیستم های الکترونیک از دانشگاه اسکس در انگلستان به ترتیب در

سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۹ دریافت کرد. او اکنون استادیار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تربیت مدرس است. زمینه پژوهشی مورد علاقه ایشان بازشناسی الگو، به ویژه بازشناسی متون چاپی و دستنویس است. نشانی رایاناک ایشان عبارتست از:

kabir@modares.ac.ir

Park, Y.K., Park, S.L., Kim, J.K., 2008. "Retinex Method Based on Adaptive smoothing for Illumination Invariant Face Recognition." Signal Processing, 88(8): 1929–1945.

Peng, K., Chen, L., Ruan, S., Kukharev, G., 2005. "A robust algorithm for eye detection on gray intensity face without spectacles." Journal of Computer Science & Technology. 5(3): 27-132.

Sang, C., 2007. "Shadow compensation in 2D images for face recognition." Elsevier Science Inc, 40: 2118-2125.

Savvides, M., 2004. "Corefaces-Robust Shift Invariant PCA Based Correlation Filter for Illumination Tolerant Face Recognition", in Proceedings of Computer Vision and Pattern Recognition, 834-841.

Schlading, K., Redenbach, C., Sych, C., Godehardt, M., 2008. "Microstructural characterisation of open foams using 3d images." Report of the Fraunhofer ITWM No. 148.

Shan, Du., Ward, R.K., 2010. "Adaptive Region-Based Image Enhancement Method for Robust Face Recognition Under Variable Illumination Conditions", IEEE Transactions on Circuits and Systems for Video Technology, 20(9): 1165-1175.

Shashua, A., 2001. "The Quotient Image: Class-Based Re-Rendering and Recognition with Varying Illuminations", IEEE Transactions on Pattern Analysis and Machine Intelligence, 23: 129-139.

Soille, P., 1999. "Morphological image analysis: principles and applications", chapters 6.4.3-6.4.8.

Wang, H., Li, S.Z., Wang, Y., Zhang, J., 2004. "Self Quotient Image for Face Recognition", Proceeding of the International Conference on Pattern Recognition, 1397–1400.

Xie, X., Zheng, W.S., Lai, J., Yuen, P.C., and Sun, C.Y., 2011. "Normalization of Face Illumination Based on Large and Small-Scale Features", IEEE Transactions on image processing, 20(7): 1807-1821.

Xie, X., Zheng, W., Lai, J., Yuen, P. C., 2008. "Face illumination normalization on large and small scale features", IEEE Conference on Computer Vision and Pattern Recognition, 1–8.

Zheng Goh, Yi, Beng Jin Teoh, Andrew, Kah Ong Goh, Michael., 2011. "Wavelet local binary patterns fusion as illuminated facial image preprocessing for face verification", Expert Systems with Applications, 38(4): 3959-3972.

فصلنامه



سال ۱۳۹۰ شماره ۱ پیاپی ۱۵

۲۶